



## تحلیل و بررسی زمینه‌گرایی در شکل و فرم معماری و شهرسازی معاصر جهان

رضا قشقایی\*<sup>۱</sup>، زهره نادریان<sup>۲</sup>

### چکیده

زمینه‌گرایی به‌عنوان رویکرد کل‌نگرد طراحی محیط مصنوع، با درک ساختار ذهنی و عینی متن و زمینه به مثابه رویدادی تکاملی در ابعاد کالبدی، طبیعی، تاریخی و اجتماعی-فرهنگی و با پیوند دادن ادراک و دریافت مخاطب با زمینه، در پی ایجاد کل معنی دار محیط مصنوع می‌باشد. نوشتار حاضر در پی آن است که از رهگذر بررسی سیر تحول نظریه زمینه‌گرایی در معماری و شهرسازی از طریق بیان دیدگاه صاحب نظران و مصادیق به تبیین ابعاد و ویژگی‌ها و مولفه‌ها غالب در این حوزه بپردازد. در این راستا پس از بررسی پیشینه موضوع و بیان تعاریف مربوطه، گستره بحث زمینه در معماری و شهرسازی در آراء و اندیشه‌های صاحب‌نظران به منظور تدوین مبانی نظری تحقیق بررسی شده و جایگاه زمینه‌گرایی در پاره‌ای از جنبش‌های معماری معاصر مورد تدقیق قرار گرفته است. نتایج مطالعات حاکی از آن است که زمینه‌گرایی ابتدا به ابعاد صرفاً کالبدی توجه داشته، اما در سیر تکاملی خود حوزه مطالعات خود را به وجوه اجتماعی، فرهنگی و گسترش انسانی داده است و توجه به مباحث فرهنگی، اجتماعی، زیست‌بوم و ارتباطات انسانی را جایگزین مباحث صرفاً شکلی، سبکی و زیبایی‌شناسی نموده است. تأکید بر گسترش روابط محیط-انسان. تأکید بر بازیابی مکان، تقویت جایگاه ارزش‌های انسانی در معماری و طراحی شهری، اهمیت معنای اجتماعی محیط، استفاده از قابلیت‌های محیطی برای دستیابی به توسعه پایدار و... از راهبردهای رویکرد زمینه‌گرایی به حساب می‌آید.

**کلید واژه:** زمینه‌گرایی، زمینه کالبدی، زمینه تاریخی، زمینه فرهنگی-اجتماعی، زمینه انسان‌گرایانه، معماری معاصر

### ۱- مقدمه

نظریه زمینه‌گرایی و توجه به شاخص‌های زمینه‌دارای جایگاه ویژه و سابقه دیرینه در سیر اندیشه‌های معماری است. زمینه‌گرایی را می‌توان در آغاز واکنشی به روند صنعتی‌سازی و مدرنیته در معماری دانست. معماری مدرن که در پی انقلاب صنعتی طی دهه‌ها سایه خود را بر معماری جهان گسترده و به سبک غالب معماری جهان بدل شده بود، در اوج خود به سبک بین‌المللی منتهی می‌شد و استفاده از تکنولوژی روز، مصالح مدرن، پیش‌ساختگی، عملکردگرایی و دوری از سبک‌های تجملاتی را الگوی خود قرار داده نتیجه آن طراحی بناهایی یک شکل بود که بدون ارتباط با پیرامون خود طراحی و ساخته شده و با زمینه خود ارتباط ضعیفی داشتند، (بانی مسعود، ۱۳۸۹).

<sup>۱</sup> نویسنده مسئول: استادیار گروه معماری، واحد گچساران، دانشگاه آزاد اسلامی، گچساران، ایران، [reza\\_ghashghaei@yahoo.com](mailto:reza_ghashghaei@yahoo.com)

<sup>۲</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه معماری، دانشکده معماری، واحد یاسوج، دانشگاه آزاد اسلامی، یاسوج، ایران، [zohrenaderyan1400@gmail.com](mailto:zohrenaderyan1400@gmail.com)

در خلال سلطه سبک مدرنیسم برخی معماران بودند که ترجیح می‌دادند تا بناهای خود را طوری طراحی کنند که بازتاب‌کننده ویژگی‌های منطقه با بکارگیری مصالح بومی، جانمایی و توجه به ویژگی‌های محیطی باشد. از این جمله می‌توان به لویی سالیوان و فرانک لوید رایت اشاره کرد که در آمریکا تحت تأثیر تفکرات برخی از فلاسفه رمانتیک بحث معماری ارگانیک را برای توصیف سبک معماری خود مطرح کردند. در اروپای شمالی افرادی مانند رالف ارسکین تحت تأثیر سبک نو- تجربه‌گرایبی<sup>۳</sup> سعی در استفاده از مصالح سنتی و مردم‌وارتر کردن فضاها کردند. آلوار آلتو معمار فنلاندی با حفظ گرایش خود به مدنیسم به جنبه‌های بوم‌گرایانه کار خود نیز توجه می‌کرد. در سال ۱۹۵۰ معمارانی بریتانیایی تحت جنبشی به نام نو انسان گرایبی<sup>۴</sup> از لزوم ساختن بناهایی زمینه‌گرا با گرایش‌های انسانی طرفداری کردند. در سال ۱۹۵۴ همایشی به نام تغییر فلسفه معماری توسط انجمن معماران آمریکا برگزار شد که در آن پل رودلف، لوئیس مامفورد و دیگر چهره‌های شاخص کنگره سیام همچون خوزه لویی سرت و گیدویون خواستار توجه بیشتر به مسائلی همچون زمینه و تاریخ در تجربیات معماری شدند. مدتی بعد گروهی به نام گروه ۱۰ نیز به انتقاد از سبک بین‌المللی پرداخت و به دنبال آن حامیان پرسابقه سبک بین‌المللی نیز لحن خود را عوض کردند گروه ۱۰ از پرنفوذترین معماران اروپا تشکیل شده بود و در پی توجه به عوامل انسانی و بازتاب ساختارهای اجتماعی در قالب‌های کالبدی بودند، (بحرینی و همکاران، ۱۳۸۸).

زمینه‌گرایبی به‌عنوان یکی از نظریه‌های پسامدرن در معماری، ویژگی‌های خاص یک مکان و کاربست آن‌ها در طراحی توجه دارد. تفکر زمینه‌گرایانه زمینه را رویدادی تاریخی می‌داند که عناصر شهری درون آن ساخته و شناخته می‌شوند. اندیشمندان این نهضت معتقدند که باید برای زمینه تاریخی و اجتماعی احترام قابل‌شد و بناها و فضاها را با توجه به زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی، تاریخی، کالبدی و شرایط خاص هر منطقه طراحی نمود. این تحقیق با استفاده از روش تحقیق کیفی و روند تحلیلی-توصیفی و بر اساس دیدگاه نظریه‌پردازان و تحلیل مصادیق انجام گرفته است. در این راستا پس از بررسی بیان تعاریف مربوطه، گستره بحث زمینه در معماری و شهرسازی در آراء و اندیشه‌های صاحب‌نظران به منظور تدوین مبانی نظری تحقیق بررسی شده و جایگاه زمینه‌گرایبی درپاره‌ای از جنبش‌های معماری معاصر مورد تدقیق قرار گرفته است.

## ۲- ادبیات پژوهش

### ۲-۱- تعریف زمینه

کانتکست context از واژه ی لاتین contextus ریشه گرفته که اشاره به ارتباط میان کلمات و انسجام میان آن‌ها دارد. فعل آن contextere است که به معنای درهم بافتن و در هم تافتن است. بنابراین، context در اصل به هم تافتن و مرتبط ساختن کلمات و جملات به منظور ساختن یک سخن یا گفته است. از این رو، context مشار به ارتباط، اتصال، هم نشینی و هم بافی میان اجزاست. در بستر شهر، به‌گونه‌ای قیاسی، می‌توان context را اتصال و هم نشینی میان بناها خواند. در فرهنگ لغت این واژه به هم بافت، متن، قرینه، فحو، سیاق، بافتار، بافت، زمینه، شرایط ترجمه شده است. زمینه را می‌توان به‌عنوان ترکیبی از یک پدیده، شرایط، حقیقت، حادثه با دیگر عوامل برای ایجاد یک کل، توصیف کرد؛ و در نتیجه، زمینه اصطلاحی است که نشان دهنده ایجاد مواردی در ترکیبی از تمام حوادث یا شرایط است. طبق گفته‌های نسبت (برولین، ۱۳۸۳) باور اصلی پشت ایده زمینه‌گرایبی این است که هر دانشی به یک زمینه مرتبط است. به‌عبارت‌دیگر، زمینه، کلید درک هر دانشی است که با آن مرتبط است. اگر قطعات در این کلیت با ارتباطی قوی ساختار بندی شده و قرار گرفته است، دیگر در نبود وجود آن‌ها بحث درباره این کلیت دشوار خواهد بود. بدین ترتیب نشان داده می‌شود که عناصری که یک کلیت را تشکیل می‌دهند، در ترکیب با هم قرار دارند و جدا نشدنی هستند. از این رو زمینه، این تمامیت مورد بحث و روابطی است که کلیت آن را تشکیل می‌دهد. تفکر زمینه‌ای، هیچ تغییری در کل را که محصول خود آن باشد، رد نمی‌کند. برعکس، زمینه می‌کوشد تا از آنچه در آن است، آگاهی داشته باشد. این تفکر دامنه گسترده‌ای از مفاهیم اجتماعی، علمی، تاریخی، منطقه‌ای، فرهنگی، اقتصادی و همچنین مفاهیم انتزاعی را زیر یک سقف، ترکیب می‌کند و دربرمی‌گیرد (قبادیان و همکاران، ۱۳۸۲)

<sup>3</sup> New empiricism

<sup>4</sup> New humanism

## ۲-۲- گستره حوزه بحث زمینه در معماری و شهرسازی (بررسی اندیشه و آراء نظریه پردازان و صاحب نظران)

### ۲-۲-۱- زمینه کالبدی

۱- در زمینه گرای، اجرای شکل شهر به تنهایی ارزیابی و مطالعه نمی‌شوند. بلکه در زمینه وسیع‌تر محیطی قرار می‌گیرند. یک اثر معماری با نظام بزرگ‌تر شهری مرتبط است و در سلسله مراتبی از مجموعه‌ها قرار دارد. بنابراین، زمینه‌گرایی پیوند میان معماری و شهرسازی در زمینه‌ای معین است و زمینه جایی است که معماری و شهرسازی را به هم مربوط می‌سازد. گرایش شهرسازان به ساخت‌وساز در "مجموعه موجود" به معنی در هم بافتن نو و کهنه به نحوی است که بتواند یک کل زنده و مطلوب ایجاد کند. (تولایی، ۱۳۸۶)

آنتونی تاگنات<sup>۵</sup> نوآوری در زمینه را با در نظر گرفتن قواعد زیر مجاز می‌شمارد:

۱- سازگاری مقیاس عناصر با زمینه؛ (۲) پیوستگی نما به منظور ایجاد رابطه بین بناها؛ (۳) ارتفاع طبقات و سلسله مراتب بلندی بناها؛ (۴) انسجام تک بنا؛ (۵) ردیفی شدن بازشوها؛ (۶) انتخاب، کاربرد و ترکیب مصالح؛ (۷) سیمای بام خانه‌ها؛ (۸) نسج و رنگ بناها؛ (۹) تنوع محلی؛ (۱۰) آب و هوا و گیاهان که موفقیت این موارد به جایگزینی متناسب آن‌ها با زمینه بستگی دارد (تولاین، ۱۳۸۰)

ایده ی «کولاژشهر» که کالین رو<sup>۶</sup> و فرد کوتر<sup>۷</sup>، از پیشروان تفکر زمینه گرایی در آمریکا، آن را نهادند، واکنشی نسبت به طرز تفکر نوگرایی بود که در آن بناهای شهرها به مثابه ی اشیای معماری می‌پنداشتند و آن‌ها را به تنهایی و با نماهای متمایز و جدای از زمینه طراحی می‌کردند (ماجدی و همکاران، ۱۳۸۹).

کولاژ شهر از نظر مفهومی بر کوبیسم و از نظر ادراکی و روش شناسی بر اصل شکل -زمینه در نظریه گشتالت استوار است. کوبیسم ها ویژگی‌ها و امکان روابط متقابل میان اشیاء را به جای ویژگی‌های خود شیء بررسی می‌کنند و بر این اساس فضا را رابطه ی متقابل اشیای جدا از هم می‌دانند. به نظر آن‌ها «اشیای از هم مجزا قابلیت آن را دارند که با ابزار کالبدی، بصری و روانی مختلف با یکدیگر پیوند خوردند. با کولاژ یعنی با جمع کردن اشیای مختلف می‌توان تأثیرهایی جدید از زمینه ی تغییر یافته ی آن‌ها به دست آورد. کولاژ، ترکیب تصاویر نا مشابه یا کشف تشابهات نهفته در اشیایی است که شبیه به هم نیستند.» کولاژ، انتقال مصالح از یک زمینه به زمینه ی دیگر و مونتاژ، پراکندن این وام گیری ها در سراسر مجموعه جدید است. بنابراین، هر نشانه ی بصری می‌تواند از زمینه یا متنی معین جدا شود و زمینه ها و متون جدید ایجاد کند. کولاژ به سلیقه و قراردادهای حاضر در جامعه وابسته است و می‌تواند به فرهنگ عامه یا قشری خاص به هر زمان و مکانی متعلق باشد. بنابراین، برای طراحی شهر به تاریخ و سنت رجوع نمی‌کند، بلکه با الهام از کوبیسم زمان حال را زمینه ی طراحی قرار می‌دهد. آن‌ها در مورد وابستگی متقابل اشیاء با کل صحبت می‌کنند و معتقدند انسان‌ها برای کل برتری ذاتی قائل اند، تا حدی که کاستی‌های صحنه ای را که کامل نشده در ذهن یا در واقعیت تکمیل می‌کنند. آن‌ها شش شرط را نام می‌برند که نقش اساسی در ایجاد شکل بصری دارد: همجواری، شباهت، شکل‌های تکمیل شده، خط مرزی یا کناره نما، حرکت مشترک و تجربه (تولاین، ۱۳۸۶). این نظریه مبتنی بر مطالعه ساختمان‌هایی است که به‌طور نسبی سطح زمین را پوشانیده‌اند و به‌صورت توده (شکل) و فضای بازخالی (زمینه) ظاهر شده‌اند. هر محیط شهری الگویی خاص برای توده و فضا دارد. اما طراحی شهری در صورتی موفق است که بتواند میان توده و فضا همزیستی مثبت ایجاد کند. به اعتقاد صاحب نظران کولاژ شهر، در شهر سنتی بناها زمینه هستند و فضاها شکل‌های متصل به هم و الگوی در هم بافته ای از تناوب فضایی را نمایان می‌سازند. در شهر مدرن عکس این حالت صادق است و بناها به شکل آرمانی تجسم یافته اند. لذا مجادله توده و فضا یا شکل -زمینه می‌بایست به انسجام، همزیستی و مکمل بودن تبدیل شود (شیرازی، ۱۳۸۸).

استوارت کوهن و تام شوماخر از شاگردان کالین رو، به منظور تکمیل رویکرد زمینه گرایی بعد تاریخی، اجتماعی و فرهنگی را به این نظریه افزودند. از آنجاکه زمینه گرایی اقتباس شکل از زمینه است، انواع زمینه‌های طبیعی، تاریخی، روانی - فرهنگی و ساخته ی دست انسان را در نظر می‌گیرد و چون حفظ و تداوم نظم شکلی گذشته را مبنای تولید شکل می‌داند، حتی آرمان‌ها را مشروط به شرایط از قبل موجود یا سنت‌ها می‌کند (بانی، ۱۳۹۲).

<sup>5</sup> Anthony Tugnut

<sup>6</sup> Collage City

<sup>7</sup> Colin Rowe

<sup>8</sup> Fred Koetter

۲-۲-۲- **زمینه گرایبی تاریخی:** تاریخ گرایان بر این عقده اند که گذشته، برای شهرسازی کنونی درس هایی عینی دارد. اگر جامعه ای خود را از گذشته جدا کند، تلاش انسان گذشته را بیهوده انگاشته است.

۲-۲-۳- **سنت گرایبی:** سنت گرایبی از سیمای شهر گذشته الهام می گیرد و بر این باور است که توسعه ی جدید باید با محیط پیرامون رابطه ی تنگاتنگ داشته باشد. کانون تفکر آنان متوجه محیط شهری است که برای مردم مانوس باشد.

پاتریک گدس از طرفداران پر شور حفظ سنت های معماری و فرهنگی و مخالفت سرسخت تحمیل شهرسازی غربی بر جامع غیر غربی بود. به نظر او تخریب نابه خردانه ی بافت های قدیمی هویت فرهنگی را نابود می سازد. نظریه **جراحی محافظه کارانه** او بر این فرضیه استوار بود که هر اندازه درک ما نسبت به روح شهر و جوهره ی تاریخی و حیات پیوسته آن بیشتر باشد، زندگی شهری را بیشتر لمس خواهیم کرد. وی در شهر های قدیمی ساختمان ها و بنا ها را به صورت ساختاری جدای ناپذیر و درهم بافته تلقی کرد. پس از آن، مامفورد منطقه گرایبی را پیشنهاد کرده محتوای آن، بازگشت به گذشته ای است که برای آن حال قابل استفاده باشد. هدف وی از طرح این قضیه آن بود که انسان ها از «احساس زندگی در یک اغتشاش روحی» رهایی یابند و به سبک های منطقه ای و بومی روی آورند. (تولاین، ۱۳۸۶). مطالعات پل هنری گلای،<sup>۹</sup> با الهام از تحلیل های لینچ حاکی از آن است که عناصر سیمای شهر در افزایش حس هویت تاریخی یک مکان مؤثرند. گلای به هفت مورد اشاره می کند که مردم بعد از بازسازی پس از جنگ قادر به چشم پوشی از آن نبودند: (۱) بازسازی یادمان های اصلی؛ (۲) تکرار نقشمایه های سنتی معماری؛ (۳) تأکید بر مرکز و حاشیه؛ (۴) یکی یکی سازی سررشته های تاریخی؛ (۵) حفظ مقیاس ادراک شده ی شهر؛ (۶) انتخاب رهنمودهای تاریخی برای طراحی؛ (۷) ابقای کاربردی های سنتی در مرکز شهر (تولاین، ۱۳۸۰).

۲-۲-۴- **فرانو گرایبی:** فرانوگرایان معتقد بودند که نوگرایی نباید الزاماً به معنی نفی شهرسازی گذشته باشد، بلکه می تواند با ایده ی تداوم و اتصال به گذشته ی آن فعالیت کند. (تولاین، ۱۳۸۰). شهرسازی فرانوگرا در پی الهام گرفتن از سیمای شهرهای گذشته و انطباق آن با سیمای شهر حاضر است، به عبارت دیگر می خواهد زمان حال را تاریخی سازد گرچه بازگشت به گذشته وسنت، اصلی مهم در فرانوگرایبی به حساب می آید، جنکس آن نوع از سنت گرایبی را می پذیرد که از تحولات دنیای امروز آگاه است. به این ترتیب او فرانوگرایبی را ترکیبی از فنون نوین با معماری سنتی تعریف می کند که به معماری این فرصت را می دهد تا با توده ی مردم عادی، اقلیت خاص و دیگر معماران ارتباط برقرار کند. وی معتقد است معماران باید یاد بگیرند آزادانه از زبان های نا متجانس استفاده کنند، تا انسان ها بتوانند در دوران و فرهنگ های متفاوت زندگی کنند و خود را به زمان حاضر و مکان محدود نسازند. (تولاین، ۱۳۸۰).

۲-۲-۵- **سنت گرایبی:** نوسنت گرایان ویژگی های فضایی دوران معاصر را با زمینه ی تاریخی، یعنی دوره ی باروک، قرون وسطی و عهد باستان به هم پیوند می دهند و با بافتن آن ها به یکدیگر سعی در ایجاد نظمی نوین در عرصه ی عمومی دارند. اعتقاد به تداوم تاریخی در این گفته ی راب کریر بارز است: «تاریخ اجزه ی انقطاع نمی دهد، بنابراین، هر آنچه در شهر انجام می شود باید به لحاظ شکلی، پاسخی به شرایط فضایی از پیش موجود باشد.» او خود را مدیون و شیفته ی آن چه در گذشته اتفاق افتاده می داند و می خواهد سیمای شهر پیش از دوران صنعتی را با جامعه ی صنعتی منطبق سازد. نتیجه ی کار او استخراج اصولی است که در آن نظام فضای شهری به هم پیوسته اما متنوع، با حفظ مقیاس انسانی در ارتفاع بناها، نماهای موزون و ایجاد شکلی معنی دار و تعریف شده لحاظ می شود. این فضا ها دارای عملکردهای فرهنگی و اجتماعی هستند، که امکان ملاقات ها و ارتباطات اجتماعی را فراهم می آورند. از دیگر نمایندگان این دیدگاه لئون کریر، عناصر و کاربری ها را به هم متصل می کند و کاربری های مختلط را به جای کاربری تک منظوره و در پاسخ به تفکیک عملکردی پیشنهاد می کند. وی برای انسجام شکل و عملکرد شهرها توسعه واحد های همسایگی را ضروری می داند. هدف از این اختلاط، علاوه بر پیوند میان اقشار گوناگون، حفظ خاطره های جمعی نیز هست. آلدو روسی نماینده ی نو-سنت گرایبی است که به ساختار شهر به صورت یک کل و بر حسب رابطه اجزای گوناگون آن می نگرد. او می خواهد با بررسی عناصری که شهر از آن ترکیب شده، دریابد که آن ها چگونه با هم پیوند خورده اند. روسی در جستجوی اصلی عقلانی است که اهمیت شکل شناسی و معانی شهر را دوباره به آن بازگرداند. در حقیقت عنصر اصلی نظریه ی او را گونه های معماری تشکیل می دهند که در طول زمان ماندگارند و

<sup>9</sup> P.H.Gleye

به‌عنوان بخشی از این خاطره ی جمعی، شهر را می سازند به‌این ترتیب، روسی در پی برقراری پیوند میان معماری با شهر و تجسم بخشیدن به معماری جمعی است. معماری جمعی بازنمایی شهر است که از نظر فضایی به «ذهن جمعی» شکل داده است (تولاین، ۱۳۸۶).

**۲-۲-۶-زمینه اجتماعی- فرهنگی** زمینه‌گرایان اجتماعی- فرهنگی معتقدند که فرهنگ مجموعه قواعدی را می‌افریند که شکل ساخته شده بازتابی از آن است. مردم به کمک فرهنگ یعنی مجموعه ارزش‌ها، باورها، جهان بینی و نظام‌های نمادی مشترک به محیط خود معنی می‌دهند و فضای خالی را به مکان تبدیل می‌کنند.

**جدول شماره ۱-دسته‌بندی رویکردهای و نظریه های مهم در رابطه با زمینه گرایی در معماری و شهرسازی(ماخذ نگارنده با اقتباس از تولایی، ۱۳۸۶)**

انواع زمین‌گرایی	نظریه پرداز	شاخصهای تعیین‌کننده	دامنه کاربرد
زمینه گرایی کالبدی	کالین رو ۱۹۷۸	ایجاد رابطه با زمینه (صرفاً توجه کالبدی) ارزیابی اجزای ساختار شهر در زمینه وسیعتر ایده کولاژ شهر(اقتباس از نظریه شکل-زمینه)	ایجاد زمینه همگن که بتوان تداوم بصری را در آن تجربه نمود زمینه منشاء الهام در طراحی است. دستیابی به ساختار از طریق تجرید و تحلیل شکل و زمینه و اخذ الگوها و خصوصیات کالبدی هر حوزه در ساختار
	استوارت کوهن و تام شوماخر	ایجاد رابطه با زمینه(توجه به ابعاد تاریخی، اجتماعی و فرهنگی و کالبدی) اقتباس شکل از زمینه در انواع زمینه ها(طبیعی، تاریخی، روانی-فرهنگی و کالبدی)	حفظ و تداوم نظم شکلی گذشته که مبنای تولید شکل قرار می‌گیرد
زمینه گرایی تاریخی	پاتریک گلدس ۱۹۶۷	نظریه جراحی محافظه کارانه(مبنتی بر درک نسبت به روح شهر و جوهره تاریخی و حیات پیوسته آن)	الهام از سیمای شهر گذشته رابطه تنگاتنگ توسعه جدید با محیط پیرامون
	مانفرد	منطقه‌گرایی	بازگشت به گذشته ای که برای حال قابل استفاده باشد. توجه به سبک منطقی‌های و بومی
	اسپیروکاتسف ۱۹۹۱	جنبش حفاظت تاریخی برای حفظ بافت شهری شناخت تاریخی شکل شهرها جهت کشف معنا و فرهنگ	بازآفرینی بنا های قدیمی ایجاد کاربری جدید به جای تخریب مناطق تاریخی "صنعت میراث" شکل ظرفی برای معنی و جستجوی معنا در فرهنگ و تاریخ
	پل هانری گلای	توجه به عناصر سیمای شهر(با الهام از تحلیلهای لینچ)	تأثیر عناصر سیمای شهر در حفظ هویت تاریخی مکان
	گروت ۱۹۸۶	توجه به ارزش سبکی،مستقل از آگاهی از تداعی تاریخی و بیان آن	هماهنگی بصری بناهای جدید با بنا های موجود

	نوست گرایبی	راب و لئون کریر ۱۹۷۹	پیوند فضا های معاصر با زمینه تاریخی، و ایجاد نظمی نوین در عرصه عمومی اعتقاد به تداوم تاریخی گونه شناسی فضا های شهری	احداث فضا های عمومی شکیل، محصور و خوانا همخوان با نوع استفاده مردم نظام فضایی شهری بهم پیوسته اما متنوع، با حفظ مقیاس انسانی در ارتفاع بناها کاربریهای مختلط به جای کاربری تک منظوره ضرورت توسعه واحدهای همسایگی به منظور پیوند اجتماعی و حفظ خاطره جمعی
	زمینه گرایبی فرهنگی و اجتماعی	آلدو روسی ۱۹۸۱	گونه شناسی معماری (گونه شناسی صوری و عملکردی) توجه به گونه های معماری که در طول تاریخ ماندگارند و به عنوان بخشی از خاطرات جمعی، شهر را می سازند.	پیوند میان معماری و شهر و تجسم بخشیدن به معماری جمعی توجه به گونه ها به عنوان عناصر فرهنگی، انتخاب گونه های مناسب در بخشهای جدید شهر
	زمینه انسانگرایی	اسمیت ۱۹۸۷	نحو شناسی شهرها	اجزای محیط مصنوع، واژگانی را تشکیل میدهند که شیوه فرارگیری آن ها کنارهم معنای خاصی را القاء می کند. تقویت جایگاه ارزش های انسانی در طراحی شهری (اتفاق نظر عمومی بر روی معنای شکلها و فضا هادر ایجاد ارتباط)
		هلیر و هنسن ۱۹۸۴	منطق اجتماعی فضا ها (فضا به عنوان فرافکنی ظاهری از فرایندهای ذهنی و اجتماعی است.)	اهمیت معنای اجتماعی شکل شهر
		اموس راپاپورت ۱۹۶۹	زمینه گرایبی فرهنگی و اجتماعی فرهنگ مجموعه قوانندی را می آفریند که شهر بازتابی از آن است. عناصر متشکله ساختار شهر واجد معنا هستند و تفسیر آن ها به وجود آوردن یک کل معنا دار است.	سازماندهی ساختار شهر همزمان با ساختار معنی صورت می گیرد معنای متفاوت عناصر کالبدی شهر به طور نظام یافته با فرهنگ پیوند خورده است.
		راجر ترانسیک ۱۹۸۶	تأکید بر زمینه انسان گرایانه تأکید بر عدم کارایی پدیده گشتالت در شهر سازی معاصر	طراحی ساختار شهر بر اساس تحقق رویکرد شهر منسجم انسجام کیفیت طراحی با فرآیند تصمیم گیریهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و کالبدی انسجام ویژگی منطقه ای با طراحی در فضای شهری انسجام شبکه پیاده و سواره اختلاط کاربریها توجه به رشد بطئی
		کریستین نوربرک شولتز ۱۹۸۰	تأکید بر زمینه انسانگرایی گسترش روابط محیط - انسان که به هستی انسان معنا می بخشد. تأکید بر بازیابی مکان یا روح مکان	طراحی ساختار شهر مبتنی بر آفرینش محیطی هماهنگ با روح مکان تأکید بیشتر بر خلق معنا در ساختار تا قواعد شکلی طراحی ساختار شهر با کارکرد سنت زنده روابط درونی بناها با محیط (اجتماع روابط کالبدی، زیست شناختی، روانشناختی، نمادین، فرهنگی و اجتماعی،

**جدول ۲: خالصه نظریه چند نظریه پرداز درباره ارتباط زمینه و معماری و عناصر تاثیرگذار**

زمینه و معماری)	محقق و نظریه پرداز	نوع ارتباط	عناصر و شیوه ارتباط
ارتباط بنا با زمینه ۱	کامیلوست	رابطه فضایی	ارزش هر بنا به رابطه ای فضایی است که با محیط خود برقرار می کند
	ادموند بیکن	ارتباط بصری	ارتباط بین ویژگی های ساده و ابتدایی فضاها و نمادهای شهری است
	برنت سی برولین	ارتباط کیفی	طراحی در درون زمینه لزوما تقلید نیست داشتن ویژگی های مشترک کفایت می کند (فرق بین تنوع بصری و تنوع توازن)
مریل گنیس	۱-الگوهای فرمی	فرم: فضا، شکل، مقیاس، تناسبات، جزئیات، مصالح، بافت و رنگ	
	۲-الگوهای فعالیتی	رفتار افراد و گروه ها با گردش در سایت بنا	
	۳-الگوهای اقلیمی	اقلیم: مصالح، رنگ ها، بازشوها، فشردگی احجام، فرم احجام، سقف ها و ...	

**۲-۳- زمینه گرایی در معماری و شهرسازی**

زمینه گرایی در واقع رویکردی است که در آن، بستر معماری و داده های طرح، از عوامل تعیین کننده در فرایند طراحی محسوب می شود که در آن معمار با شناخت و تأثیرپذیری از عناصر و عوامل فرهنگی و تاریخی آن زمینه دست به خلق یک اثر می زند. یک طراح با رویکرد زمینه گرا، باید ابتدا ویژگی مکان را دریابد و بخشی از فرآیند طراحی را با توجه به آن انجام دهد. این دیدگاه پیش تر به جنبه های صرفاً کالبدی توجه داشته، اما به تدریج به ابعاد انسانی گرایش پیدا کرده و مطالعات خود را در بخش های اجتماعی و فرهنگی جامعه گسترش داده است (تمیزی و حسین پور، ۱۳۹۵). به عبارتی، زمینه گرایی دیدگاهی است که به ویژگی های خاص یک مکان و به کارگیری آن ها در طراحی معاصر، توجه دارد. از این رو، در عین حال که به گونه ای ضمنی به تمایز مکانی توجه می نماید، به صراحت، تداوم ارزش های کالبدی و غیر کالبدی مکان یا زمینه موجود را در نظر دارد. با این حال، ایجاد ارزش های جدید را نفی نمی کند و از سوی دیگر، از آنجاکه به ارتباط میان شکل (زمینه یا توده) فضا نظر داشته و کل حاصل از این ارتباط را ارزشمند می داند، در کنار آن، به اصل وحدت/کثرت نیز اشاره دارد. رویکرد اصلی زمینه گرایی، درک ارزش های زمینه و تداوم آن ها در آینده است (میرمقتدایی، ۱۳۸۳).

زمینه گرایان معتقدند که اجزای طبیعی شهر، تحت تأثیر نیروها یا ویژگی های درونی خود نمی باشند، بلکه به محیط و مجموعه پیرامون آن وابسته هستند. از این رو نمی توان فقط در جستجوی خواص و ابعاد پدیده ها بدون توجه به جوهر آن ها که بعد زمان و زمینه ای که در آن قرار دارند نیز در آن دخیل می باشند، نگریم. واحد تحلیل در این رویکرد، مطالعه بناها یا فضاها در ارتباط با عوامل محیطی آن است و هرگونه تغییر و دخالت در آن ها با توجه به وابستگی به این عوامل می باشد (. 1987, Stokols). در این ارتباط زمینه گرایی به سه دسته کالبدی، تاریخی و اجتماعی فرهنگی تقسیم می گردد که در زیر به اختصار به آن ها پرداخته می شود:

**۲-۳-۱ الف- زمینه گرایی کالبدی**

در زمینه گرایی، اجزای شکل شهر تنهایی مورد ارزیابی و مطالعه قرار نمی گیرد، بلکه در زمینه وسیع تر محیطی مطالعه می شوند. یک اثر معماری با نظام بزرگ تر شهری در ارتباط است و در سلسله مراتبی از مجموعه ها قرار دارد. بنابراین زمینه گرایی پیوند میان معماری و شهرسازی در زمینه ای معین است. گرایش شهرسازان به فرآیند ساخت و ساز در مجموعه موجود، به معنی قرارگیری و بافتن نو و کهنه در کنار هم به نحوی است که بتواند یک کل زنده و مطلوب ایجاد کند (. 1978, Waterhouse). پس باید توجه به آن، با تعهد خاصی نسبت به مسائل مربوط به ورود معماری جدید در درون زمینه صورت گیرد. هر محیط شهری الگویی خاص برای توده و فضا دارد اما طراحی شهری در صورتی دارای کارکرد ماندگار و بهتری است که بتواند میان توده و فضا همزیستی مثبت ایجاد کند (Ashihara, ۱۹۸۳). در کتاب «معماری در زمینه» به برخی از پرسش های اساسی در این خصوص چنین پاسخ داده است. از این پاسخ ها می توان تاندازه ای به شرایط این مقوله - اگر به عنوان رویکرد انتخاب گردد - پی برد: الف- چه نکاتی ارزش زمینه ای معین را مشخص می کند؟ در ابتدا اهمیت تاریخی، فرهنگی، جذابیت و درجه همگنی بصری مورد توجه قرار گیرد. در صورتی که این موارد فاقد ارزش باشند، به سنت منطقه ای پرداخته و با جوابگو نبودن این مورد نیز، باید به اندازه ای بتوان کارکرد که نتیجه بصری آن زمینه ای برای کار دیگران فراهم آورد. اگر در موقعیت گذار قرار داشت - یعنی کشمکش بین نو و کهنه وجود داشت - باید توجه نمود مردمی که قرار است در آن وضعیت زندگی کنند کدام یک را زیباتر و معنی دارتر می دانند. ب- وقتی زمینه ترکیبی از عناصر گوناگون

بوده و به‌صورت همگن نیست، چه باید کرد؟ اگر زمینه به‌طور مطلق ناهمگن است، باید گفت که دیگر زمینه‌ای وجود ندارد که بتوان تداوم بصری را در آن تجربه نمود. در این حالت باید به نمونه‌های موفق که موردتوافق اکثر متخصصان است رجوع کرد.

### ۲-۳-۲) منطقه‌گرایی در معماری و شهرسازی

منطقه‌گرایی، دیدگاهی تحلیلی و انتقادی است که بر حفظ ویژگی‌ها و خصوصیات خاص مکان تأکید دارد و از این لحاظ در مقابل جهانی‌شدن و سبک بین‌المللی قرار می‌گیرد. منطقه‌گرایی با مدرنیته تناقضی ندارد، آنچه مورد مخالفت معماران منطقه‌گرا واقع شد، مدرنیسم نیست بلکه گرایش به سبک بین‌المللی است (Ozkan ۱۹۸۵). این رویکرد برای اولین بار در اواخر دهه ۱۹۷۰ در آثار برخی معماران مشاهده شد که در کارهای خود، خصوصیات ویژه مکان استقرار پروژه را مدنظر قرار می‌دادند. به‌این‌ترتیب، منطقه‌گرایی رویکردی است در طراحی که برای هویت خاص منطقه در مقابل خصوصیات عام جهانی اولویت قائل است (Tzonis ۲۰۰۳) اما این امر مانع پذیرش تأثیرات جهانی نیست. رویکرد اصلی منطقه‌گرایی آشتی دادن تأثیرات تمدن جهانی و خصوصیات و مشخصه‌های ویژه مکانی است. به‌عبارت‌دیگر از آنجا که انسان‌ها در عین تملک فرهنگ منطقه‌ای وارث و به وجود آورنده فرهنگ جهانی نیز هستند باید شناختی از تعامل آن دو به دست آورند (2000, Frampton) طرفداران این نظریه عقیده دارند که معماری باید انعکاس‌دهنده ویژگی‌های خودی بوده و مستقل از دیدگاه احساسی تعریف منطقه، سنت و تاریخ در یک کشور باشد. در معماری معاصر، اصطلاح منطقه‌گرایی انتقادی به‌عنوان زیربنای نظری تبیین معماری مدرن در کشورهای درحال توسعه بکار گرفته شد (میرمقتدایی، ۱۳۸۳). وظیفه منطقه‌گرایی، تجدیدنظر درباره معماری، با توجه به مفهوم منطقه است. این موضوع هم به پیوندهای پیچیده انسانی مربوط می‌شود و هم به تعادل اکوسیستم و مسائل زیست‌محیطی. هدف منطقه‌گرایی، ایجاد تنوع در عین سود بردن از مزایای جهانی است (Tzonis ۲۰۰۳) تعبیر دیگر، مسئله اساسی امروز ما، توجه هم‌زمان به زندگی مشترک بین‌المللی و ویژگی‌های خاص محل است (Lang ۱۹۹۷). حاصل این پیوند محلی جهانی، پویایی و حرکت دائمی است. این پویایی و تضاد ظاهری در چارچوب وحدت و یکپارچگی تجدید شده و منجر به اغتشاش و بی‌نظمی نخواهد شد. اکنون روشی عملی برای ارزیابی هویت کالبدی یک منطقه را می‌توان بر مبنای پاسخ به سؤالاتی مانند موارد زیر تدوین نمود (میرمقتدایی، ۱۳۸۳) (جدول ۳):

- ۱- تعریف منطقه و خصوصیات کالبدی آن (اقلیم، شکل زمین، ارزش‌های معماری، طراحی شهری و ...)
- ۲- تعیین اجزای سازنده کالبد شهر از نظر مرفولوژی شهری
- ۳- ارزیابی اجزای سازنده کالبد شهر از نظر تعلق به حوزه‌های غیر و خودی و وجود تداوم و تحول
- ۴- ارزیابی توانایی ارتباط اجزای کالبدی با هدف شکل دادن به یک کل منسجم

### جدول ۳: چند نمونه تعریف از منطقه‌گرایی ای که در معماری و شهرسازی بررسی شده است

محقق و نظریه پرداز	تعریف منطقه‌گرایی
سها اوزکان	دیدگاهی تحلیلی و انتقادی است و بر حفظ ویژگی‌ها و خصوصیات خاص مکان تأکید دارد
الکساندر ژونیس	رویکردی در طراحی است که هویت منطقه را بر خصوصیات عام جهانی مقدم می‌داند
کنت فرمپتون	آشتی دادن تمدن‌های جهانی با خصوصیات ویژه مکانی است (تعامل فرهنگ منطقه‌ای با فرهنگ جهانی)
مهتا میرمقتدایی	معماری منطقه‌گرایانه باید منعکس‌کننده ویژگی‌های خودی و مستقل از دیدگاه احساسی کشوری باشد

### ۳- پیشینه تحقیق

تولاین نونین (۱۳۸۰) در پژوهشی به عنوان زمینه‌گرایی در شهرسازی به این نتیجه رسید که زمینه‌گرایی - یکی از دیدگاه‌های رایج در شهرسازی - زمینه را به مثابه رویدادی تاریخی می‌پندارد، که عناصر شهر در درون آن، شناخته، پرداخته و ساخته می‌شوند. دیدگاه مزبور ابتدا به جنبه‌های صرفاً کالبدی توجه داشت، اما به تدریج به ابعاد انسانی گرایید و حوزه مطالعات خود را به وجوه اجتماعی - فرهنگی جامعه گسترش داد. در این دیدگاه، ایده‌ها و عناصر شهرهای گذشته در شکل دادن به کالبد شهرهای معاصر حضور دارند. بنابراین، شهرساز زمینه‌گرا باید قادر باشد ویژگی‌های یک مکان را دریابد و آن را بخشی از فرایند طراحی خود قرار دهد. وی در هنگام ایجاد اجزای جدید شکل شهر به موارد زیر متعهد می‌ماند: (۱) زمینه‌گرایی کالبدی، به شکل کل از قبل موجود؛ (۲) زمینه‌گرایی تاریخی، به میزان و نظم رابطه اجزای شهر در طول زمان؛ (۳) زمینه‌گرایی اجتماعی -



فرهنگی، به معانی، ارزش ها و اهداف مشترک. در این مقاله سعی شده تا وجوه گوناگون این گرایش بررسی و جایگاه آن در شهرسازی معاصر روشن شود.

(حسین پور و همکاران، ۱۳۹۲) پژوهشی را با عنوان بررسی و تحلیل زمینه گرای در معماری بومی با تأکید بر کاربرد تکنولوژیهای جدید در عصر جهانی سازی، همایش ملی معماری، شهرسازی و توسعه پایدار با محوریت از معماری بومی تا شهر پایدار به این نتیجه رسیدند شهر محصول دوره های تاریخی متعدد و حاصل روابط خاص میان وجوه اجتماعی، فرهنگی، انسان شناسی، جغرافیایی و اقتصادی است و معماری امروز نیز در آینده بخشی از تاریخ شهرها خواهد بود. آنچه که در ادامه استمرار حیات بانشاط و پرشور یک شهر لازمست تطابق ظرف (محیط) با مظهر (انسان) در یک روند تاریخی است. اخیراً بدلائل مختلف این سازگاری برهم خورده و گونه ای از ناهمگونی را رقم زده است. هدف این مقاله ارائه تعاریفی روش از زمینه به عنوان بستر قرارگیری آثار معماری و فهم درست از فلسفه تکنولوژی و کاربرد آن در معماری متناسب با ویژگیهای محیطی است. نتایج نشان دهنده آنست که توجه به شخصیت محیط و الهام از آن نفی کننده خلاقیت نیست و تکنولوژیهای جدید به عنوان یکی از وجوه معماری می تواند خود را با ویژگیهای فرهنگی، اجتماعی و محیطی سازگار نموده، تداوم تاریخ و هویت شهر را تسهیل نماید.

(سورتیچی و همکاران، ۱۳۹۳)، پژوهشی را به عنوان بررسی زمینه گرای در معماری بومی با تأکید بر کاربرد تکنولوژیهای نوین در طراحی، کنفرانس بین المللی روشهای نوین طراحی و ساخت در معماری زمینه گرا به این نتیجه رسیدند که توجه به شخصیت محیط و الهام گرفتن از آن نفی کننده خلاقیت نیست و تکنولوژی های جدید به عنوان یکی از وجوه معماری میتواند خود را با ویژگی های فرهنگی، اجتماعی و محیطی سازگار نموده و تداوم تاریخ و هویت شهر را تسهیل نماید.

(کلاتنری خلیل آباد و همکاران، ۱۳۹۹) پژوهشی را به عنوان تبیین الگوی کالبدی مسکن معاصر مبتنی بر معماری زمینه گرا در شهر کاشان؛ مطالعه موردی: خانه های تاریخی منتخب دوره قاجار به این نتیجه رسیدند نتایج کسب شده از مطالعات در حوزه زمینه گرای به همراه مقایسه تطبیقی نتایج ارزیابی نمونه ها مورد بررسی و واکاوی قرار گرفت. نهایتاً راهکارها و پیشنهادات ذیل شاخصه های کلی موقعیت بنا، مقیاس و اندازه، شکل و فرم، مصالح و جزییات و ساماندهی عناصر و اجزای کالبدی ارائه گردیده است. در پایان توجه به رویکرد زمینه گرای به ویژه بعد کالبدی آن و به کارگیری عملی راهکارهای پیشنهادی ارایه شده می تواند در برقراری این پیوستگی از دست رفته و اعتلای معماری مسکونی کاشان نقشی محوری ایفا کند. (اکبری و همکاران، ۱۳۹۶)، پژوهشی را به عنوان تبیین روش های طراحی زمینه گرای و منطقه گرای در معماری ایران (نمونه مطالعاتی: اثرهایی شاخص با دوره های زمانی متفاوت از معماری شهر تهران) به این نتیجه رسیدند که روش های طراحی زمینه گرای و منطقه گرای متفاوت از یکدیگر عمل می کنند به این صورت که: زمینه گرای در مقیاس کوچکتر نسبت به سایت و همسایگی های آن و منطقه گرای در مقیاس بزرگتر و در حد ملی و منطقه ای عمل می کند.

#### ۴- روش تحقیق

در این پژوهش با نگرشی توصیفی-تحلیلی، به مقوله های زمینه گرای، منطقه گرای و ریشه های آن در معماری و شهرسازی پرداخته می شود که مطالعه اسنادی و کتابخانه ای اساس بیان، تحلیل، توصیف و تفسیر مطالب موجود می باشد. پژوهش پیش رو به صورت کیفی و به روش تحلیل محتوا انجام پذیرفته است. تحلیل محتوا روشی است که با استفاده از رویکرد کیفی و با به کارگیری فنون مختلف، به تحلیل نظام مند متون حاصل از مصاحبه ها، یادداشت های روزانه و یا اسناد و مکتوبات می پردازد و به فراسوی کلمات یا محتوای عینی متون می رود و الگوهای را که آشکار یا پنهان هستند به صورت محتوای آشکار مورد آزمایش قرار می دهد (Zhang, ۲۰۰۶). محتوای آشکار و پنهان در تحلیل محتوای کیفی به تفسیر مربوط می باشند، اما تفسیرها در عمق و سطح انتزاع متفاوت هستند (Graneheim & Lundman, ۲۰۰۴) هدف تحلیل محتوای جهت دار، معتبر ساختن و گسترش دادن مفهومی چارچوب نظریه و یا خود نظریه است. نظریه از پیش موجود، می تواند به تمرکز بر پرسش های تحقیق کمک کند. این امر پیش بینی هایی را درباره متغیرهای مورد نظر و ارتباط بین آنها فراهم می کند (Hickey & Kipping, 1996) حال ابتدا باید زمینه گرای و تقسیمات آن ها را بازشناخته و ریشه های پیوند آن با معماری و شهرسازی را از دیدگاه نظریه پردازان و زمینه گرایان بررسی نمود. در ادامه با مطالعات کتابخانه ای، به بحث زمینه و زمینه گرای، در راستای حوزه پژوهش پرداخته و سپس سیر این ارتباط را به نظاره نشست تا نهایتاً بتوان به مصداق ضرورت داشتن یا نداشتن توجه به زمینه گرای طرح های معماری و شهرسازی پی برده و در این بین، شاخصه های آن ها را شناسایی نمود.

## ۵- تجزیه و تحلیل یافته‌ها

یک ساختمان منفرد در ابتدا به‌عنوان جزئی از کل محسوب می‌شود. هر ساختمان می‌تواند در تعامل با تاریخ، اعتقادات و نیازهای زمان و مکان، خاص باشد. در اینجا منظور از زمینه همان متن بستر و محیطی است که معماری در آن خلق می‌شود و محتوا و شکل را در برمی‌گیرد. هر پدیده بر محیط پیرامون خود تأثیر می‌گذارد و از آن تأثیر می‌گیرد. بنابراین هر دو در تعامل با یکدیگر هستند. به‌طور کلی زمینه گرایبی، سازگاری با زمینه‌های کالبدی، تاریخی و اجتماعی-فرهنگی است (ایمانی، ۱۳۹۴) و به گفته مریل گینس، در سال ۱۹۸۰، زمینه در معماری تحت سه موضوع کلی، الگوهای فرمی، فعالیتی و اقلیمی دسته‌بندی می‌شود.

## ۵-۱- بررسی تحلیلی نمونه موردی

در دهه ۱۹۶۰، بازسازی شهری و مداخلات حاد مدرن، بافت شهری را شکافته و غیرقابل شناخت کرده بود. معماران متوجه شدند که هیچ بستر و زمینه‌ای برای درک و فهم ساختمان‌های طراحی‌شده به سبک مدرن وجود ندارد. به‌واقع ساختمان‌های شهر معماری مدرن هنوز ۳۱ و کمتر ۳۰ آن‌ها در یک فضای باز نامحدود و نامتمایز مدرن پراکنده بود. به عبارتی به ادعای رو ساخته نشده است و به‌رغم همه خواسته و نیات خوب پیشکسوتان آن، هنوز به‌صورت پروژه‌های ناتمام باقی‌مانده است. از دست رفتن طبیعت، فقدان جهت و سردرگمی و این احتمال که حومه‌ها و شهرها در نهایت آن‌قدر گسترش خواهند یافت که از شهرهای پیوسته ارائه می‌دهد پیش‌بینی شده بود. نقد شهر ۳۲ با همدیگر تلاقی خواهند کرد در تصویری که ایتالو کالوینو مدرن در دهه ۱۹۶۰ آغاز شد و مشتمل بود بر طرح‌های اتوپیایی، بازسازی‌های بزرگ‌مقیاس، نظریه‌های مربوط به منظر و قوانین طراحی شهری و دفاع از موضوعات شهری تحقیق‌نیافته مدرن. از میان این اهداف متعدد، سه دیدگاه شاخص در مطرح کردند. ۳۳ آمریکا مطرح شدند: زمینه گرایبی، توده‌گرایبی و الگوی شهر معاصر جهانی. زمینه گرایبی را رو، کوتر و شوماخر زمینه گرایبی را می‌توان شرح و بسط‌هایی از درون محیط‌های دانشگاهی به شمار آورد که گروه‌هایی از استادان و دانشجویان که به تجزیه و تحلیل شهر پرداختند و اهدافی را برای راهبردهای نوین طراحی مطرح می‌سازند، پرورش داده‌اند. دانشجویانی مانند شوماخر شاگرد رو و کارهای دانشجویان رم کولهاس (Nesbitt.2012.29).

معماری زمینه گرا نه تأکید بر تقلید دارد و نه مانع نوآوری و خلاقیت است. پیام آن ضرورت توجه به محیط کالبدی پیرامون اثر معماری است و نشان می‌دهد که این توجه می‌تواند هم برای خود اثر معماری و هم برای زمینه عاملی مثبت و تقویت‌کننده باشد. زمینه‌های شکل‌گیری زمینه گرایبی: ۱- مدرنیست‌ها ساختمان‌های خود را چنان طراحی می‌کردند که گویی در یک خلأ بصری قرار خواهد گرفت و ربطی به ساختمان‌های پیرامون نخواهد داشت. (برولین، ۱۳۹۶: ۱-۷، ۲) - داشتن بیان شخصی خود، تأکید بر مقوله ابتکار آن‌قدر شدت داشت که باعث از بین رفتن تداوم بصری محیط کالبدی ما شد. تأکید بر نبوغ و ابتکار جایگزین معیار قبلی یعنی توجه به کیفیت ارائه هنری شد. بیان احساسات معمار، ابراز وجود معمار. سازگاری با ساختمان‌های قدیم نه تنها نامربوط بود بلکه حتی توهین به مقدسات تلقی می‌شد. از دید یک مدرنیست شیفته، یک ساختمان باید نسبت به ساختمان‌های اطراف خود شاخص و بارز بوده و به‌عنوان نمادی از آینده مطرح شود (همان منبع، ۱۰-۱۳). نتیجه و پیامد: تضاد میان سبک‌های سنتی و سبک پیشرو که گویی بد نظر قابل قبول بود، اکنون ناگوار و خشن محسوب می‌شد. (اتحاد اهالی یک محله برای دفع یک تعرض ناگوار، احکام جدید شهرداری‌ها برای توجه به بافت اطراف) زمینه گرایبی در یک جمله یعنی ایجاد تداوم بصری در سیمای شهری. معماران باید بدانند که حاصل کار آن‌ها همواره به‌عنوان بخشی از یک زمینه کلی تر موردسنجش و ارزیابی قرار می‌گیرد. این جمله از آرتور تریستان ادواردز در کتاب آداب خوب و بد در معماری است.

بدنظر می‌رسد که آرایه‌ها، بافت بصری و تداعی حاصل از آن، غالباً روش مطمئن‌تری برای ایجاد رابطه بصری سازگار میان ساختمان‌هاست. گرچه این‌ها نکاتی کوچک هستند، ولی چشم به همین نکات کوچک توجه کرده و تجمع همین پیام‌ها در حافظه بصری ما، حس همگونی و مکانی قوی را باوجود می‌آورد. (همان منبع، ۴۲). در نهایت مؤلفه‌های مورد استفاده در رویکرد طراحی معماری زمینه گرا عبارت‌اند از: کپی‌برداری نزدیک از درونمایه‌های اصلی طرح موجود - استفاده از اساس فرم‌های مشابه ولی با چیدمانی جدید - ابداع فرم‌های جدیدی با همان تأثیر بصری فرم‌های قدیمی - تجرید (انتزاع) فرم‌های اولیه. نمونه موردی انتخاب‌شده پروژه موسسه پرت اثر استیون هال می‌باشد که بحث الحاق بخش میانی یک ساختمانی است که در اثر آتش‌سوزی از بین رفته است. هال در این پروژه از موارد مطرح‌شده در جدول ۵ در راستای رویکرد زمینه گرایبی بهره گرفته است. به‌طور کلی می‌توان برخی مؤلفه‌های مورد استفاده در رویکرد طراحی "زمینه گرایبی" را بدین ترتیب بیان کرد: شناسایی تمام ویژگی‌های صوری، بصری و انسانی بافت اطراف، انتخاب یکی از رویکردهای مطرح‌شده در زمینه صوری با توجه به مطالعات و شناخت از سایت، ایجاد پیوند مناسب با ساختمان‌های مجاور از طریق عقب‌نشینی و یا جلوآمدگی بنا به تشخیص و توجه هم‌زمان به جنبه‌های چهارگانه زمینه بصری جهت ارتقاء کیفیت پیوند ساختمان با همسایگی‌های مجاور.

جدول ۶ بررسی چهار رویکرد به زمینه صوری ساختمان‌ها

تصویر بنای رویکردهای مطرح شده		چهار رویکرد به زمینه صوری (شکلی) ساختمان
		<p><b>کپی برداری نزدیک از درون مایه‌های اصلی طرح موجود</b></p> <p>(شباهت ارتفاع ساختمان‌ها، نسبت پنجره به دیوار و امتداد قرنیزهای طبقات از چپ به راست سبک‌های گوتیک، روکوکو و رنسانس)</p>
		<p><b>استفاده از اساس فرم‌های مشابه ولی با چیدمانی جدید</b></p> <p>(استفاده از قاب سفید اطراف پنجره و قرنیزهای میان طبقات ساختمان‌های موجود در بافت هم‌جوار)</p>
		<p><b>ابداع فرم‌های جدید به منظور ایجاد کنش در بافت قدیمی</b></p> <p>(مانند اثر بیلباتو که به عنوان نماد و مرکز توریستی بارسلونا مطرح شده است)</p>
		<p><b>تجريد (انتزاع) فرم‌های اولیه</b></p> <p>(استفاده از برخی نمادها در قالبی جدید)</p>

۶- بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به اینکه هدف از زمینه‌گرایی توجه به ویژگی‌های بستر و زمینه است، اما تفاوت‌های معناداری در شیوه به‌کارگیری این رویکرد به چشم می‌خورد. از جزم‌گرایی و عدم توجه به زمینه در معماری مدرن و برداشت‌ها و تقلید و نسخه‌برداری‌ها سطحی و صوری همراه با اشارات تاریخی در دوره پست مدرن اولیه تا به امروز در عصر دیجیتال، شیوه‌های متفاوت نمایش حساسیت و توجه به بستر را نشان می‌دهد.

نتایج تحقیق نشان می‌دهد که زمینه‌گرایی ابتدا به ابعاد صرفاً کالبدی توجه داشته، اما در سیر تکاملی خود حوزه مطالعات خود را به وجوه اجتماعی، فرهنگی و انسانی گسترش داده است و توجه به مباحث فرهنگی، اجتماعی، زیست‌بوم و ارتباطات انسانی را جایگزین مباحث صرفاً شکلی، سبکی و زیبایی‌شناسی نموده است. تأکید ویژگی‌های تاریخی مکان و احترام به سنت، گسترش روابط محیط-انسان، تأکید بر بازیابی مکان یا روح مکان، تقویت جایگاه ارزش‌های انسانی در معماری و طراحی شهری، مشارکت مردم، اهمیت معنای اجتماعی محیط، استفاده از قابلیت‌های محیطی برای دستیابی به توسعه پایدار و... از راهبردهای رویکرد زمینه‌گرایی به حساب می‌آید. لذا زمینه‌گرایی، به عنوان یک رویکرد کل‌نگر در دوره حاضر می‌تواند با تأکید بر جنبه‌های بازآفرین خود، در فرآیندهای واقعی حیات اجتماعی میان معماری، انسان، فرهنگ و محیط مصنوع پیوند برقرار سازد.

## ۷- منابع و مأخذ

- اسدی تبار، حمیده، شیرانی، زهرا، ۱۳۹۳، مروری بر جایگاه زمینه گرایبی در معماری نوین، همایش ملی روشهای نوین معماری و ساخت در معماری زمینه گرا، تبریز.
- اکبری علی اکبر، بذرافکن کاوه، تهرانی فرهاد، سلطانزاده حسین، ۱۳۹۶، تبیین روش های طراحی زمینه گرایبی و منطقه گرایبی در معماری ایران (نمونه مطالعاتی: اثرهایی شاخص با دوره های زمانی متفاوت از معماری شهر تهران، پاییز، دوره ۱۶، شماره ۳ (پیاپی ۴۸) از صفحه ۳۲۷ تا صفحه ۳۴۲).
- ایمانی، الناز، ۱۳۹۴، بررسی رویکردهای مختلف سازگاری با زمینه جهت تقویت جایگاه زمینه گرایبی در فرآیند برنامه دهی معماری، نشریه انجمن علمی معماری و شهرسازی ایران، صص ۲۹-۴۴.
- آهنی، ف، منطقه گرایبی انتقادی در معماری، ریشه ها و گرایشها، جستارهای شهر سازی، ۱۳۹۱، شماره ۳۷-۳۸، ۷۵-۷۰
- بانی مسعود، امیر، ۱۳۸۹، معماری غرب، ریشه ها و مفاهیم، نشر هنر معماری قرن، چاپ دوم، ۱۳۸۹
- بانی مسعود، امیر، ۱۳۹۲، پست مدرنیته و معماری (بررسی جریانهای فکری معماری معاصر غرب ۲۰۰۰-۱۹۶۰)، نشر خاک، چاپ چهارم، تابستان.
- بحرینی، سید، حسین، بلوکی، بهناز، تقابن، سوده، تحلیل مبانی نظری طراحی شهری معاصر (جلد اول: اواخر قرن ۱۹ تا دهه هفتم قرن ۲۰ میلادی)، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۸
- برولین، برنت سی، ۱۳۸۳، معماری زمینه گرا، سازگاری ساختمان های جدید با قدیم، ترجمه راضیه رضازاده، اصفهان: نشر خاک.
- برولین، برنت سی، ۱۳۸۳، معماری زمینه گرا؛ سازگاری ساختمان های جدید با قدیم، ترجمه راضیه رضا زاده، اصفهان نشر خاک.
- بیات، مینا، پهلوان پور، رسول، ۱۳۹۲، معماری پارامتریک چالشی جدید در معماری و شهر سازی پایدار، کنفرانس بینالمللی توسعه شهری پایدار، معمار یو مهندسی عمران، تبریز.
- تولایی، نوین، شکل منسجم شهر، موسسه انتشارات امیر کبیر، تهران، ۱۳۸۶
- تولایی، نوین، ۱۳۸۰، زمینه گرایبی در شهر سازی، فصلنامه هنرهای زیبا، شماره ۱۰، ۵۷-۶۶
- تولایی نوین، ۱۳۸۰، زمینه گرایبی در شهر سازی، گروه شهر سازی - دانشکده هنرهای زیبا - دانشگاه تهران، زمستان ۱۳۸۰، دوره -، شماره ۱۰؛ از صفحه ۳۴ تا صفحه ۴۳.
- حسین پور، سیدعلی و نجفی، محدثه و صراف، سارا، ۱۳۹۲، بررسی و تحلیل زمینه گرایبی در معماری بومی با تأکید بر کاربرد تکنولوژیهای جدید در عصر جهانی سازی، همایش ملی معماری، شهر سازی و توسعه پایدار با محوریت از معماری بومی تا شهر پایدار، مشهد،
- حسین کلانتری خلیل آباد، سید امیر رضانظام دوست، علی یاران، (۱۳۹۹) تبیین الگوی کالبدی مسکن معاصر مبتنی بر معماری زمینه گرا در شهر کاشان؛ مطالعه موردی: خانه های تاریخی منتخب دوره قاجار، تاریخ ارسال: ۱۱/۱۰/۱۳۹۹ تاریخ تایید: ۱۱/۱۰/۱۳۹۹ تاریخ انتشار: ۱۱/۱۰/۱۳۹۹.
- سورتیجی، سپیده و شجاعی، محمد و حسینی تازه آبادی، معصومه و باقری زاده، راضیه، ۱۳۹۳، بررسی زمینه گرایبی در معماری بومی با تأکید بر کاربرد تکنولوژیهای نوین در طراحی، کنفرانس بین المللی روشهای نوین طراحی و ساخت در معماری زمینه گرا، تبریز.
- شریفیان، محمد امین، جهانیان، پدram، ۱۳۹۳، بررسی ضرورت توجه به مولفه های فرهنگی در طراحی معماری زمینه گرا بر مبنای رویکرد انسانشناسی آموس راپاپورت، همایش معماری و شهر سازی انسانگرا، قزوین.
- شیرازی، محمدرضا، ۱۳۸۸، زمینه گرایبی و منطقه گرایبی در معماری، ماهنامه مهندسی زیرساخت، سال اول شماره ۸، خرداد.
- - قبادیان، وحید، ۱۳۹۶، مبانی و مفاهیم در معماری معاصر غرب، انتشارات دفتر پژوهشهای فرهنگی، چاپ سی دوم.
- قبادیان، وحید، ۱۳۸۲، مبانی و مفاهیم در معماری معاصر غرب، تهران: دفتر پژوهش های فرهنگی.
- کریمی مشاور، مهرداد، آزادمنش، فریدون، ۱۳۹۳، اصول معماری بر اساس روابط متقابل زمینه و بنا، همایش ملی روشهای نوین معماری و ساخت در معماری زمینه گرا، تبریز.
- الکساندر، کریستوفر، ۱۳۸۴، یاداشتهایی بر ترکیب فرم، ترجمه سعید زرین مهر، انتشارات روزنه، تهران.

- ماجدی، حمید، سهیده زرابادی، زهرالسادات، ۱۳۸۹، شهر نشان دار به مثابه شهر زمینه گرا، مجله علمی و پژوهشی تحقیقات فرهنگی، پاییز ۸۹، شماره ۱۱، ۱-۲۲
- میر مقتدایی، مهتا، ۱۳۸۳، معیارهای شناخت و ارزیابی هویت کالبدی شهرها، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۱۹، ۱۷-۲۶
- میرمقتدایی، مهتا، ۱۳۸۳، معیارهای شناخت و ارزیابی هویت کالبدی شهرها، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۱۹، صص ۲۶-۱۷. وایت، ادوارد، ۱۳۸۵، مفاهیم پایه در معماری، ترجمه محمد احمدی نژاد، چاپ ششم، اصفهان: نشر خاک.
- نوربرگ شولتز، کریستین، ۱۳۸۲، گزینه ای از معماری: معنا و مکان، ترجمه ویدا نوروزبرازجانی، نشر جان جهان
- Ashihara Y., (1983), *The Aesthetic Townscape*, Trans. Lynne E. Riggs, MIT Press, Cambridge.
- Frampton, Kenneth, (2000), *Towards a critical Regionalism in: Malcom Miles (Ed.) The City culture reader*, Routledge. Cizgen, Gultekin, *Rethinking The Role of Context and Contextualism in Architecture and Design*. Master of Science diss., Eastern Mediterranean University, 2012.
- Gamprecht, Blake. (2016). "The Campus as a public space in the American College Town". *Journal of Historical Geography*. (33): 72-103
- Graneheim UH, Lundman B., (2004), *Qualitative Content Analysis in Nursing Research*, Nusre Education Today, Vol. 24, pp. 105-112.
- Hickey G, Kipping C., (1996), *Issues in Research. A multi- Stage Approach to the Coding of Data Form OpenEnded Questions*, Nurse Researcher, Vol. 4, pp.
- -Keshkaran, Parinaz. (2012). *Harmonization Between Climate and Architecture in Vernacular Heritage: a casestudy in Yazd, Iran*. *Procedia Engineering*. (21): 428-438.
- Kirk, Terry. (2015). *The Architecture of Modern Italy, Vol 1: The Challenge of Tradition (1750-1900)*. New York: princeton Architectural Press
- Lang, P. J., Bradley, M. M., & Cuthbert, B. N. (1997). *International affective picture system (IAPS): Technical manual and affective ratings*. *NIMH Center for the Study of Emotion and Attention*, 1(39-58), 3.
- Nesbitt, K. (2012). *Theorizing a New Agenda for Architecture: An Anthology of Architectural Theory 1965 – 1995*. New York: Princeton Architectural Press.
- Ozkan, Suha, (1985), *Regionalism within Modernism in the Proceedings of the Regional seminar in the Series Exploring Architecture in Islamic Cultures*. Daka, Bangladesh, pp 17-22.
- Rapaport, Amos. (2018). *The meaning of the Build Environment*. USA: the University of the Arizona Press
- Sherine Shafik, Ahmed Aly. (2011). *Modernization and Regionalism: Approaches for Sustainable revival of Local urban Identity*. *Procedia Engineering*. (21): 503-512.
- Stokols D, Altman I., (1987), *Handbook of Environmental Psychology*, John Wiley & Sons, New York. Tugnut, A. (1987), *Making Townscape*, London: Mitchell.
- Tzonis, Alexander (2003), *Introducing an Architecture of the Present, Critical Regionalism and the Design of Identity in: Liane Lefaivre and Alexander Tzonis (Ed.) Critical Regionalism: Architecture and Identity in a Globalized World*, Prestel Verlag.
- Waterhouse A., (1978), *Boundaries of the City: The Architecture of Western Urbanism*, Toronto University Press, Toronto.
- Zhang Y., (2006), *Content Analsis (Qualitative, Thematic)*, Retrieved October 24, 2016, from

## **Analysis and study of contextualism in the form of contemporary architecture and urban planning in the world**

Contextualism as a holistic approach in designing an artificial environment, by understanding the mental and objective structure of the text and context as an evolutionary event in physical, natural, historical and social-cultural dimensions and by linking the perception and perception of the audience with the context, seeks to create meaning. Is artificial. The present article seeks to explain the prevailing dimensions, features and components in this field by examining the evolution of contextualism theory in architecture and urban planning by expressing the views of experts and examples. In this regard, after examining the background of the subject and stating the relevant definitions, the scope of the field discussion in architecture and urban planning in the opinions and thoughts of experts has been studied in order to formulate the theoretical foundations of research and the position of contextualism in some contemporary architectural movements. The results of studies indicate that contextualism initially paid attention to purely physical dimensions, but in its evolutionary course has focused its field of study on social, cultural and human development aspects and attention to cultural, social, ecological and human relations issues. It has replaced the topics of mere form, style and aesthetics. Emphasis on the development of environment-human relations. Emphasis on place recovery, strengthening the position of human values in architecture and urban design, the importance of social meaning of the environment, using environmental capabilities to achieve sustainable development and. .... is one of the strategies of contextualism approach.

**Keyword:**Contextualism, physical context, historical context, socio-cultural context, humanistic context, contemporary architecture